

طرح بهسازی مسکن و الگوی بومی - سنتی مسکن روستایی (مطالعه موردی: دهستان آق آباد، شهرستان گنبد کاووس)

محمد رضا عابدی: دکترای معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، ایران
mabedi2293@gmail.com

سهند آذر: کارشناسی ارشد برنامه ریزی آمایش سرزمین، دانشگاه ارومیه، ایران
sahandazar831@gmail.com

محمد جواد کریمی زارچی: کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه زنجان، ایران
mjz.karimi@gmail.com

محمد کریمی: کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آزادشهر، ایران
karimi.m7663@gmail.com

چکیده

مسکن بعنوان پناهگاه انسان، زابیده یکی از نیازهای اساسی جوامع بشری است که عناصر سازنده آن به طور توأمان از محیط طبیعی، شیوه‌های زیستی - معیشتی و روابط اجتماعی و فرهنگ جامعه مورد نظر تأثیر پذیرفته است. این اثرپذیری از شرایط محیطی و اکولوژیکی، در بناها و مسکن نواحی روستایی، بسیار محسوس است؛ به طوری که تحت تأثیر نیروها و عوامل محیطی، فرهنگ مادی - معنوی جوامع روستایی تکوین و طی روندهای زمانی تکامل یافته‌اند که از آن با عنوان «الگوی بومی مسکن» خاص آن منطقه یاد می‌شود. در این میان، توسعه روستاها و مقاوم سازی مسکن روستایی همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های دولتمردان و برنامه‌ریزان روستایی بوده که طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن روستایی یکی از مهمترین این طرح‌ها است. جامعه آماری تحقیق شامل ۵۹۲۲ خانوار روستایی بوده که به دو گروه وام گیرندگان طرح مسکن و وام ننگرندگان این طرح دسته بندی شده که در مجموع تعداد ۲۰۰ نفر بعنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که غالب روستاییانی که از طرح بهسازی مسکن روستایی استفاده کرده‌اند، طبقه ضعیف و کارگری بوده است. بعلاوه، اجرای این طرح اگرچه نتایج مثبتی را در بین خانوارهای روستایی به دنبال داشته، لیکن در برخی از معیارهای الگوی بومی - سنتی مسکن روستایی منطقه از جمله نحوه استقرار و جانمایی خانه، الگو و جهت یابی خانه، کم‌رنگ شدن فضاها و عملکردهای اقتصادی مسکن و غیره، نتایج چشمگیری حاصل نشده است.

کلمات کلیدی: مسکن، مسکن روستایی، وام مسکن، طرح بهسازی، الگوی بومی - سنتی.

مسکن برای زندگی در آرامش و امنیت، در شمار نیازهای اولیه و حقوق طبیعی هر فرد در هر خانوار در هر نقطه از جهان است. مسکن مبنای پیوند خانوار به سرزمین و از این رو، کوشش در عمران و آبادانی و پیشرفت آن هم، ثمره این پیوند است. بر مبنای همین پیوستگی طبیعی است که سکونت در زیر هر سرپناهی، مقدمه‌ی تعلق خاطر و انگیزه تصرف و تملک و بهبود وضع آن سکونتگاه در حال و آینده است. تلاش بشر برای دستیابی به یک سکونتگاه مناسب، یک ویژگی فطری است که در روزگاران کهن از مسکن‌گزینی انسان در شکاف بین صخره‌ها و غارهای طبیعی آغاز و تا قرون وسطی، به ساخت‌وساز کلبه‌های ساده با استفاده از مصالح بومی انجامیده و در قرون اخیر نیز با توسعه تمدن‌های بشری، نه تنها سکونتگاه که تمام ابنیه مورد نیاز وی نیز از حیث برخورداری از فناوری‌های نوین، به صورت‌های امروزی خود در آمده است (میرزاعلی و فریور، ۱۳۹۶). از این رو، مسکن بعنوان پناهگاه انسان، زاینده یکی از نیازهای اساسی جوامع بشری است که عناصر سازنده آن به طور توأمان از محیط طبیعی، شیوه‌های زیستی- معیشتی و روابط اجتماعی و فرهنگ جامعه مورد نظر تأثیر پذیرفته است.

این اثرپذیری از شرایط اقلیمی، محیطی و اکولوژیکی، در مسکن روستایی کاملاً محسوس بوده، به طوری که نه تنها فرم، نحوه ساخت و نوع مصالح بناها، بلکه نحوه استقرار، چیدمان و مکان‌گزینی خانه‌ها و اجزا و ضوابط الحاقی آن را متناسب با نوع عملکرد و کارکرد هر کدام از سکونتگاه‌ها در ارتباط بوده است. این ویژگی‌های مسکن روستایی که تحت تأثیر نیروها و عوامل محیطی و فرهنگ مادی- معنوی این جوامع تکوین و تکامل یافته است، در مناطق مختلف روستایی کشور به اشکال گوناگون نمود پیدا می‌کند که تحت عنوان الگوهای بومی- سنتی مسکن روستایی یاد می‌شود. در این میان، امروزه این الگوهای بومی- سنتی مسکن، تحت تأثیر عوامل مختلف روستا- عوامل و عناصر طبیعی و انسانی- به سرعت در حال تغییر و تحول است.

برخی از این تحولات مسکن روستایی تحت تأثیر ملاحظات زمانی و مکانی و گاهی به تاسی از فرهنگ شهری، اجتناب‌ناپذیر است. اما با این وجود، دخالت برخی دیگر از عوامل بیرون روستا و گاه در شکل برنامه‌ها و طرح‌های مختلف عمران و مسکن روستایی، آن قدر ساختار نظام قبلی مسکن روستایی را برهم می‌زند که گاهی به تغییر یا حذف برخی از کارکردهای واقعی روستاها منجر می‌شود (نظری و پک، ۱۳۹۲). در این میان، بهسازی و مقاوم‌سازی مسکن روستایی همیشه یکی از اساسی‌ترین چالش‌های دولت و برنامه‌ریزان عمران روستایی است که طرح بهسازی و نوسازی مسکن روستایی، یکی از مهم‌ترین این طرح‌ها در ایران است. طرحی که با هدف تامین مسکن متناسب، مقاوم و با دوام روستایی شکل گرفت (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵). اما طی سالیان اخیر، دامنه فعالیت‌های این طرح از طریق اعطای وام و تسهیلات بانکی بسیار متنوع شده و گسترش یافته است. از طرفی، در برنامه‌های توسعه به برقراری عدالت اجتماعی و توسعه پایدار مسکن، مقاوم‌سازی و هویت‌بخشی به معماری بومی- سنتی تأکید شده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۷)؛ لیکن به نظر می‌رسد مجریان این طرح، اهداف مقاوم‌سازی و عدالت اجتماعی را بیشتر مد نظر داشته و حفظ الگوی بومی- سنتی مسکن روستایی را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند.

با عنایت به آنچه آمد، این مقاله به دنبال بررسی و تحلیل نحوه اثرگذاری طرح بهسازی مسکن روستایی بر روی الگوهای بومی- سنتی مسکن روستاهای دهستان آق‌آباد شهرستان گنبدکاووس در استان گلستان است. لذا سوالات اصلی تحقیق آن است که: الف) معیارهای بوم‌شناسی الگوی مسکن روستایی، تا چه اندازه در طرح‌های بهسازی مسکن روستایی مورد توجه قرار گرفته است؟ یعنی، تا چه اندازه ساخت‌وسازهای نوین روستایی برخوردار از وام و تسهیلات بانکی طرح بهسازی مسکن، مبتنی بر الگوهای بومی- سنتی مسکن روستایی محدوده مورد مطالعه بوده است؟

پیشینه تحقیق

در قالب بررسی و ارزیابی اثرات طرح بهسازی مسکن روستایی، مطالعات و تحقیقات ارزشمندی در کشور صورت پذیرفته است که جهت بهره‌مندی از نتایج آنها در قالب مطالعات کتابخانه‌ای- اسنادی تحقیق حاضر، در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

قدیری معصوم و همکاران (۱۴۰۰)؛ در مقاله‌ای به دنبال ارزیابی اثرات طرح بهسازی مسکن روستایی بر ابعاد اقتصادی و کالبدی مسکن روستایی بوده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نوسازی مسکن موجب افزایش سطح رضایت‌مندی ساکنان از ابعاد کالبدی مسکن از جمله افزایش استحکام بنا و نوع مصالح مورد استفاده شده است؛ اما از بعد اقتصادی به دلیل حذف فضاهای معیشتی و کاهش سطح زیربنای واحد مسکونی اقتصاد خانوار تحت تأثیر قرار گرفته و سطح رضایت‌مندی ساکنان را کاهش داده است.

نادری گرزالدینی و نادریان (۱۴۰۰)؛ در پژوهش خود به مطالعه ویژگی‌های کالبدی- فضایی مسکن روستایی مازندران در سه پهنه جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی پرداخته و هدف از آن شناسایی عناصر شاخص و اثرگذار بر هویت معماری بومی این منطقه بوده است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که در شکل‌دهی به فرم کالبدی و سازمان فضایی مسکن روستایی مازندران، اقلیم نقش مهمی دارد و عواملی مانند جهت‌گیری بنا در محور شرقی- غربی، کرسی چینی و ارتفاع بنا نسبت به سطح زمین، استفاده از بام شیب‌دار، ایوان، پلان آزاد و تهویه دوطرفه، برون‌گرایی، هماهنگی میان فرم کالبدی و بستر طبیعی و نیز استفاده از مصالح بوم آورد، هویت خاصی به مسکن روستایی مازندران بخشیده است.

ایمانی جاجرمی و همکاران (۱۳۹۸)؛ در مقاله‌ای به دنبال ارزیابی اثرات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی طرح اعتبارات بهسازی و نوسازی مسکن روستاهای دهستان دولت آباد، شهرستان روانسر در دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ هستند. یافته‌های تحقیق ایشان نشان می‌دهد که علیرغم برخی پیامدهای مثبت، این طرح دارای تبعات و کارکردهای منفی پیش‌بینی نشده‌ای همچون طرد سالخوردگان، تغییر معیشت، مهاجرت بوده است که اگر از قبل ارزیابی اثرات اجتماعی طرح صورت می‌گرفت، پیشگیری یا کاهش این اثرات ممکن بود.

میکانیکی و داودیان (۱۳۹۶)؛ در پژوهش خود به بررسی نقش اعتبارات بهسازی مسکن در بهبود وضعیت زندگی از بعد کالبدی در نواحی روستایی جهت دستیابی به توسعه روستایی در بخش مرکزی شهرستان تایباد پرداخته شده است. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد که اعتبارات دریافتی از طریق طرح بهسازی مسکن موجب بهبود وضعیت زندگی روستاییان در بعد کالبدی آنان شده است.

صادقلو و عزیزی (۱۳۹۶)؛ در مقاله‌ای به دنبال ارزیابی تأثیرات ناشی از طرح‌های بهسازی و نوسازی مسکن بر کیفیت محیطی روستاهای دهستان حومه شهرستان شیروان با حدود ۲۲ نقطه روستایی است. نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که طرح‌های بهسازی و نوسازی روستایی، تأثیرات قابل توجهی در شاخص‌های کیفیت محیط نظیر ماندگاری، افزایش استحکام مسکن، افزایش حس امنیت داشته است. براساس مدل تحلیل مسیر، بعد اقتصادی بیشترین تأثیر و بعد اجتماعی کمترین تأثیر را بر روی سطح کیفیت محیط روستاهای مورد مطالعه دارای طرح بهسازی و نوسازی داشته‌اند.

مبانی نظری تحقیق

مسکن روستایی: مسکن روستایی تصویری از بستر و زندگی نواحی روستایی است که در خدمت شیوه‌های خاص از فعالیت‌های انسانی (معیشت کشاورزی، دامداری و...) قرار دارد. خانه روستایی ارتباط عمیقی با محیط داشته، به آن وابسته است و محل سکونت افرادی است که به فعالیت‌های تولیدی اشتغال دارند (سرتیپی پور، ۱۳۹۰). از این‌رو، کلید فهم خانه روستایی وابسته به شناخت فضاست و از این طریق است که باید فضای مطلوب و دلنشین برای زندگی روستایی به وجود آورد. اگرچه خانه‌های بومی روستایی طبق فرهنگ و رسوم محلی شکل گرفته اما فرم و سازماندهی این خانه‌ها اتفاقی و بر حسب تصادف نبوده بلکه در کنار پاسخ‌گویی به نیازها و احتیاجات انسانی تصور فضایی روستائیان نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری آنها داشته است (میرزاعلی و فریور، ۱۳۹۶).

مسکن روستایی؛ ویژگی‌ها، کارکردها و تنگناهای آن: در عرصه‌های مختلف مکانی- فضایی، عوامل گوناگونی موجب ویژگی‌بخشی و هویت‌دهی به مسکن روستایی می‌گردد. در این میان، مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر ویژگی‌های مسکن روستایی عبارتند از: سابقه اسکان و برپایی سکونتگاه، مناسبات و روابط اجتماعی- اقتصادی، شیوه زندگی (معیشت) و نوع فعالیت غالب، نوع و شکل خانوارها، سنت‌های ساخت‌وساز و دسترسی به مواد و مصالح، امنیت و ضرورت حفاظت و دفاع، ارتباطات و دامنه روابط بیرونی سکونتگاه.

به این ترتیب، شکل الگوها و عملکردهای مساکن روستایی نمایانگر نحوه تعامل عوامل محیطی- اکولوژیک، مناسبات اجتماعی- اقتصادی، مجموعه تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و روندهای مکانی- فضایی در بستر زمان است. بر این اساس، کارکردها و عملکردهای مسکن روستایی کشور بر پایه مطالعات انجام شده توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، به هفت دسته کلی ذیل تقسیم می‌گردد که عبارتند از: ۱. کارکردهای بنیادی- زیستی؛ ۲. کارکردهای بهداشتی؛ ۳. کارکردهای خدماتی؛ ۴. کارکردهای اقتصادی- تولیدی؛ ۵. کارکردهای اجتماعی- فرهنگی؛ ۶. کارکردهای ذخیره‌سازی (آذوقه، علوفه و تولیدات)؛ ۷. کارکردهای ارتباط فیزیکی. لذا با توجه به کارکردهای اخیر، در مطالعات و بررسی‌های مسکن روستایی می‌توان جنبه‌های بنیادین زیر را مورد توجه قرار داد (سعیدی، ۱۳۸۷)؛ ۱- وسعت و شکل فضای آزاد؛ ۲- ارتباط نحوه ساخت بنا و مصالح ساختمانی مورد استفاده با محیط اطراف؛ ۳- نحوه استقرار ساختمان و وضعیت آن نسبت به زمین‌های عمومی (مانند شبکه معابر)؛ ۴- سطح زیربنا و سطح مفید بر اساس سطح مسکونی، سطح مورد استفاده اقتصادی، سطح انبارها؛ ۵- ارتفاع خانه (تعداد طبقات ساختمان)؛ ۶- تعداد اتاق‌ها، کارکرد هر یک از آنها و شیوه ساخت و معماری. ساخت‌وسازهای روستایی به دو طریق ساخت مسکن بدون حمایت دولت (توسط خود روستائیان) و ساخت‌وساز با حمایت و مشارکت دولت و مردم امکان‌پذیر می‌باشد (حجت، ۱۳۸۵). در این میان، روستاهای کشور در طول تاریخ دیرینه خود، شاهد توسعه تدریجی از طریق ساخت‌وسازهای خود روستائیان با معماری ارگانیک و بومی- سنتی خود بوده و دیر زمانی بعد از آن و پس از آشنایی و وابستگی آنها به شهرها، معماری التقاطی و نهایتاً معماری شهری به روستاها راه یافته است. در طی این سال‌ها، دولت با دخالت مستقیم در امر احداث واحدهای مسکونی برای روستائیان در قالب طرح‌های نوسازی مسکن روستایی- مانند طرح بهسازی مسکن روستایی- تضمین‌چندانی برای موفقیت نداشته‌اند که مهم‌ترین علل آن، هزینه‌های مالی سنگین، محدودیت منابع دولتی و... می‌باشد (سرتیپی پور، ۱۳۸۷).

طرح بهسازی مسکن روستایی: طرح ویژه بهسازی مسکن روستایی از سال ۱۳۷۴، توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، با هدف بهبود کیفیت مسکن و بافت روستایی و ارتقاء سطح ایمنی، بهداشتی، رفاه و آسایش مسکن روستایی آغاز گردید. بر اساس این طرح، نسبت به مقاوم‌سازی واحدهای مسکونی کم‌دوام و بی‌دوام در سطح روستاهای کشور اقدام و سالانه هزاران واحد مسکونی روستایی ساخته می‌شود که اهداف این طرح به قرار زیر می‌باشد: ۱- احداث مسکن مقاوم و بادوام روستایی؛ ۲- تلاش در حفظ هویت معماری بومی مسکن روستایی و تأمین مسکن متناسب با نیاز روستایی؛ ۳- تأمین جنبه زیباشناسانه سیمای روستا و احداث مسکن سبز روستایی؛ ۴- تغییر فضای روستایی از محیطی غیربهداشتی و آسیب‌پذیر به فضای سرزنده، جاذب و زیبا به لحاظ جلوگیری از مهاجرت؛ ۵- تطبیق کالبد مسکن روستایی با زندگی امروزی؛ ۶- گذار از نگرش تأمین سرپناه برای روستایی به تأمین مسکن برای آنها؛ ۷- ارتقاء توسعه سکونتگاه‌های روستایی؛ ۸- تلاش در بهینه‌سازی مصرف انرژی در مسکن روستایی؛ ۹- افزایش سرعت اجرای طرح‌های کالبدی و عمرانی روستاها؛ ۱۰- تأمین بهداشت محیط روستایی با تولید مسکن روستایی بهداشتی؛ ۱۱- تلاش در به حداقل رساندن آثار مخرب تقلید کورکورانه از ظواهر شهری نامناسب در تولید مسکن روستایی؛ ۱۲- ایجاد تحرک در چرخه تولید مسکن روستایی؛ ۱۳- ترویج الگوهای منتخب و برجسته معماری روستایی به لحاظ فرم و جنبه‌های زیباشناختی سیمای روستا؛ ۱۴- ترویج فرهنگ بیمه و ایجاد زمینه‌های لازم جهت تحت پوشش قرار دادن واحدهای مسکن روستایی (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷).

مسکن و الگوی بومی- سنتی مسکن: مسکن بعنوان یکی از نیازهای اصلی آدمی، جایگاه زندگی انسان بوده و نوع بشر در رابطه با محیط کالبدی اطرافش، همواره بیشترین وابستگی را به خانه داشته است. در واقع، مسکن یکی از مهم‌ترین نیازهای بشری مطرح بوده که توأمان دارای بعد مادی و معنوی می‌باشد (فاتح و داریوش، ۱۳۹۰). مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز در بر می‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای بهزیستن خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است (مخبر، ۱۳۶۳). بنابراین مسکن چیزی بیش از یک سرپناه صرفاً فیزیکی است و کلیه خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای بهزیستن انسان را شامل می‌شود و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده‌کننده آن فراهم باشد (Knapp, 1982). نظر به گستردگی و تنوع حوزه مطالعه مسکن، صاحب‌نظران، متناسب با رویکردها و حوزه‌های تخصصی خود، تعاریف متفاوتی از آن داشته‌اند. برخی معتقدند که مسکن، مفهومی چندوجهی است که مفاهیمی مانند آسایش و امنیت، بیان هویت و پایگاه اجتماعی ساکنان را در بر می‌گیرد (Werner & Altman, 1986). برخی در تعریف مسکن از مفهوم سیستم قرارگاه‌ها استفاده می‌کنند و مسکن را مانند سیستمی از قرارگاه‌ها تعریف می‌کنند که فعالیت‌های خاصی در آن جریان دارد (Low & Chambers, 1989). از دیدگاه راپاپورت، مسکن بخشی از محیط ساخته شده می‌باشد که روابط میان مردم و مردم، مردم و اشیاء و اشیاء را در بر دارد (Rapoport, 1977). او با تکیه بر نگرش سیستمی می‌گوید که مسکن، صرفاً یک سرپناه فیزیکی در قلمرو سکونت نمی‌باشد، بلکه مانند بخشی از سیستم فرهنگی سکونت است که مجموعه خاصی از فعالیت‌ها در درون آن رخ می‌دهد. به طور کلی، مساکن از نظر مصالح ساخت، شکل و آرایش قسمت‌های مختلف، تحت شرایط جغرافیایی محیط خود قرار می‌گیرند و به سبب انعکاس این تأثیر از اهمیت جغرافیایی برخوردار می‌شوند. مساکنی که بیشترین تطابق را با محیط جغرافیایی داشته و تأثیرات محیط خود را به خوبی منعکس می‌کند، مساکن روستایی می‌باشد (ظاهری، ۱۳۷۸). کلید فهم خانه روستایی وابسته به شناخت فضاست و اگرچه خانه‌های بومی روستایی طبق فرهنگ و رسوم محلی شکل گرفته، اما شکل و سازماندهی این خانه‌ها اتفاقی و بر حسب تصادف نبوده، بلکه در کنار پاسخ‌گویی به نیازها و احتیاجات انسانی، تصور فضایی روستائیان نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری آنها داشته است. معماری روستایی ایران به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی،

فعالیت‌های مردمی، عناصر تولیدی و محیط‌زیست، مجموعه‌ای همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می‌دهد که تجلی‌کننده ارتباطات و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۴). بنابراین منظور از معماری بومی- سنتی، مجموعه واحدهای معماری که در سرزمینی معین گرد هم آمده‌اند و با هماهنگی‌هایی که در زمینه شکل، حجم‌گذاری، کاربردی، رنگ‌آمیزی و سطوح پر و خالی و نیز در زمینه مصالح و نظام ساختمانی در آنها پدیدار است، سری اصلی و اساسی را در بر دارد (آلپاگونولو، ۱۳۸۴). بر اساس این تعریف می‌توان سه اصل کلی برای معماری بومی- سنتی در نظر گرفت: ۱- وجود هماهنگی میان عناصر سازنده بنا؛ ۲- تنوع در بناهای بومی و عدم یکنواختی در آنها؛ ۳- پیروی از قوانین و ضابطه‌های غیرمدون که متأثر از فرهنگ محیطی می‌باشند. بنابراین الگوی بومی مسکن نیز متناسب با عوامل مؤثر در شکل‌گیری آنها یعنی عوامل محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روابط میان آنها، به مثابه سیستمی عمل می‌کند که ضمن شناخت ویژگی‌های ساختی و کارکردی هر یک از اجزاء، شناخت کلیت یکپارچه سیستم الزامی است.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع مطالعات کاربردی با روش توصیفی- تحلیلی است. روش جمع‌آوری اطلاعات به دو طریق کتابخانه‌ای- اسنادی (کتاب، مقالات، طرح‌های پژوهشی و بررسی نقشه‌های معماری طرح‌های بهسازی مسکن روستایی منطقه) و پیمایشی (پرسشنامه، برداشت از مسکن روستایی و مصاحبه) می‌باشد. جامعه آماری شامل خانوارهای مستقر در روستاهای دهستان آق‌آباد شهرستان گنبدکاووس بوده که تعداد آنها ۵۹۲۲ خانوار می‌باشد که جهت تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است. به منظور ارزیابی طرح بهسازی مسکن، جامعه مورد مطالعه به دو گروه تقسیم گردید: ۱- خانوارهای دریافت‌کننده وام و تسهیلات مسکن، ۲- خانوارهای بدون استفاده از وام مسکن. با استفاده از فرمول کوکران تعداد کل حجم نمونه حدود ۲۰۰ خانوار تعیین گردید و به نسبت مساوی بین دو گروه ۱۰۰ خانوار تقسیم شد که برای انتخاب خانوارهای نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده گردید. تاکید این پژوهش حول سه محور اساسی است: ۱- ضوابط معماری، ۲- ضوابط فنی و ۳- ضوابط طراحی اقلیمی شکل گرفته است. سوالات پژوهش در قالب پرسشنامه خانوار روستایی و به صورت سوالات کمی و کیفی است. طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل داده‌ها در محیط نرم‌افزارهای آماری Excel و SPSS و طراحی پلان واحدهای مسکونی در محیط AutoCAD انجام گرفته است. روایی سوالات پرسشنامه از روش خرد جمعی دلفی با استفاده از نظرات کارشناسان و متخصصین توسعه و مسکن روستایی تایید و برای سنجش پایایی آن از روش آلفای کرونباخ ($\alpha=0/86$) استفاده گردید.

قلمرو مکانی تحقیق: روستاهای دهستان آق‌آباد در مجموع با مساحتی حدود ۴۴ کیلومترمربع، در بخش مرکزی و شمال شرقی شهرستان گنبدکاووس در استان گلستان قرار گرفته و حد فاصل مختصات جغرافیایی ۲۳-۳۷ تا ۳۳-۳۷ درجه عرض شمالی و ۵۹-۵۴ تا ۲۲-۵۵ درجه طول شرقی واقع شده است. فاصله مرکز دهستان نسبت به شهر گنبدکاووس حدود ۱۲ کیلومتر می‌باشد. بر اساس سرشماری عمومی کشور، این دهستان شامل ۲۷ آبادی مسکونی، ۵۹۲۲ خانوار و ۲۹۶۷۸ نفر جمعیت می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در ارتباط با معیارها و شاخص‌های اثرگذار در تحولات الگوی مسکن بومی- سنتی منطقه مطالعاتی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

الف) یافته‌های توصیفی

- وضعیت سنی سرپرستان خانوار روستایی:

میانگین سنی سرپرستان خانوار استفاده‌کننده از وام مسکن روستایی ۳۵/۷ سال می‌باشد. با توجه به مُد بدست آمده از سنین سرپرستان خانوار که عدد ۳۱ سال می‌باشد، نشان از جوان بودن (پایین بودن نسبی سن) این گروه برای اخذ تسهیلات بهسازی مسکن روستایی است. در مقابل، بیشترین فراوانی گروه‌های سنی برای گروه بدون استفاده‌کننده از وام بانکی، سنین بین ۴۰ تا ۴۹ سال می‌باشد.

جدول (۱): وضعیت سنی سرپرستان خانوار روستایی مورد مطالعه منبع: نگارندگان

گروه سنی	۲۰-۲۹ساله	۳۰-۳۹ساله	۴۰-۴۹ساله	۵۰-۵۹ساله	۶۰ساله و بیشتر
دارای وام مسکن	۲۸	۳۹	۱۹	۱۱	۳
بدون وام مسکن	۱۱	۲۳	۳۵	۲۳	۸

- شغل اصلی سرپرستان خانوار:

بر اساس یافته‌های تحقیق، بیشترین فراوانی در میان مشاغل سرپرستان خانوار روستایی در گروه بهره‌مند از وام بانکی را قشر کارگران و در گروه بدون استفاده‌کننده از وام بانکی را قشر کشاورزان اختصاص داده‌اند که این امر می‌تواند به طوری حاکی از این باشد که طرح بهسازی مسکن که با وام بانکی همراه می‌باشد، در میان اقشار ضعیف جامعه روستایی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

جدول (۲): وضعیت مشاغل سرپرستان خانوارهای روستایی مورد مطالعه منبع: نگارندگان

شغل اصلی	کشاورزی	دامداری	کارمند دولت	شغل آزاد	کارگری	سایر
دارای وام	۲۳	۵	۷	۱۹	۳۷	۹
بدون وام	۴۴	۱۶	۴	۱۷	۱۴	۵

همچنین بیشترین گروه استفاده‌کننده از تسهیلات بانکی برای ساخت مسکن روستایی، از طبقه باسوادتر جامعه، یعنی گروه دیپلم و بالاتر با تعداد ۵۸ نفر بوده و در مقابل بیشترین فراوانی این مولفه در میان گروه بدون استفاده‌کننده از وام بانکی، مربوط به سرپرست خانوارهایی است که از سطح تحصیلات پایین‌تری برخوردار می‌باشند.

جدول (۳): وضعیت سطح سواد و تحصیلات سرپرستان خانوار روستایی مورد مطالعه منبع: نگارندگان

سطح سواد	بی سواد	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	دیپلم و بالاتر
دارای وام	۳	۹	۱۲	۳۴	۴۲
بدون وام	۸	۲۷	۳۳	۲۱	۱۱

ب) یافته‌های تحلیلی

- طراحی پلان معماری:

نتایج مشاهدات میدانی حاکی از آن است که اکثر خانوارهای نمونه، مسکن خود را با نقشه‌های از قبل طراحی شده احداث کرده‌اند. این در حالی است که در گروه خانوارهای دارای وام مسکن، تمامی نقشه‌ها توسط مهندسين ساختمان و معماران طراحی شده‌اند. در مقابل؛ در گروه خانوارهای بدون وام مسکن، این میزان ۴۳ درصد می‌باشد

جدول (۴): بررسی تهیه نقشه معماری ساختمان در بین دو گروه جامعه مورد مطالعه منبع: نگارندگان

گروه	مهندسين ساختمان	بناهای محلی
خانوارهای دارای وام مسکن	۱۰۰	-
خانوارهای بدون وام مسکن	۴۳	۵۷

- عرصه و مساحت فضای خانه:

بر اساس مستندات میدانی و مصاحبه حضوری با سرپرست خانوارهای مورد مطالعه، نحوه تأمین زمین مسکونی برای ساخت‌وساز مسکن روستایی در چهار گروه دسته‌بندی شدند: ۱- خانوارهایی که خانه قبلی خود را تخریب نموده و در حیاط قبلی به بازسازی مسکن اقدام کرده‌اند، ۲- خانوارهایی که خانه خود را در فضای خالی حیاط قبلی احداث کرده‌اند، ۳- خانوارهایی که فاقد حیاط بوده و زمین را خریداری کرده‌اند، ۴- خانوارهایی که از طریق تغییر کاربری اراضی به کاربری مسکونی مبادرت به احداث خانه خود کرده‌اند. مقایسه یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در میان گروه دریافت کننده از وام مسکن روستایی، تعداد افرادی که خانه‌های خود را در زمین قبلی بازسازی کرده و یا زمین جدید خریداری کرده‌اند، بیش از گروه دوم است. برعکس در میان خانوارهای گروه دوم، تعداد کسانی که در فضاهای خالی حیاط قبلی و یا از طریق تغییر کاربری اراضی اقدام به ساخت‌وساز کرده‌اند، بیش از گروه اول بوده است. همچنین، مقایسه این داده‌ها با میانگین مساحت حیاط و زیربنای خانه‌های دو گروه نشان می‌دهد که در میان خانوارهای بدون استفاده کننده از وام مسکن، به ترتیب حدود ۶۵۱ و ۱۰۴ مترمربع و در میان دریافت‌کنندگان تسهیلات حدود ۳۴۷ و ۹۰ مترمربع می‌باشد

جدول (۵): مقایسه نحوه تهیه زمین مسکونی، مساحت حیاط و زیربنای ساختمان میان دو گروه جامعه نمونه منبع: نگارندگان

گروه‌ها / مولفه	بازسازی در محل خانه قبلی	فضای خالی حیاط قبلی	خرید زمین جدید	تغییر کاربری زراعی و باغی	میانگین مساحت حیاط	میانگین مساحت زیربنا
دارای وام مسکن	۱۶	۵۲	۲۴	۸	۳۴۷/۲	۸۹/۵
بدون وام مسکن	۱۳	۵۶	۱۹	۱۲	۶۵۱/۴	۱۰۳/۸

طبق ضوابط بنیاد مسکن، مساحت زیربنای خانه برای اعطای تسهیلات حداکثر ۸۰ مترمربع می‌باشد، لیکن این شاخص در عمل به حدود ۹۰ مترمربع افزایش یافته است. از طرفی، طبق ضوابط مصوب طرح‌های هادی روستاهای منطقه، الگوی تفکیک حیاط‌ها ۲۰۰ مترمربع بوده است، اما در عمل این شاخص در میان دریافت‌کنندگان وام مسکن (میانگین مساحت حیاط خانه‌های دارای وام حدود ۳۴۷ مترمربع است)، حدود ۱/۷ برابر و در میان خانوارهای فاقد وام مسکن (میانگین مساحت حیاط خانه‌های بدون وام مسکن حدود ۶۵۱ مترمربع است)، حدود ۳/۳ برابر افزایش داشته است که نشان از عدم دقت برنامه‌ریزان و مجریان طرح مسکن در شناخت الگوهای بومی - سنتی مسکن منطقه می‌باشد.

- جانمایی مسکن:

یافته‌های تحقیق گویای آن است که نحوه استقرار و موقعیت واحدهای مسکونی در هر دو گروه استفاده کننده از وام مسکن و فاقد وام مسکن، تقریباً مشابه هم بوده است. بعبارتی، حدود نیمی از جامعه مذکور خانه‌های خود را در کنار معابر (خیابان یا کوچه) در گروه با وام مسکن ۴۹ واحد و بدون وام مسکن ۴۳ واحد بنا کرده‌اند. همچنین ۳۶ واحد خانوارهای فاقد وام مسکن، منازل خود را با کاربری تجاری - مسکونی ساخته‌اند. این در حالی است که علیرغم اعمال محدودیت‌های قانونی در ساخت خانه با کاربری تجاری - مسکونی در گروه بهره‌مند از وام مسکن، ۲۷ درصد آنها خانه‌های خود را بدین شکل ساخته‌اند.

جدول (۶): موقعیت مسکن و نوع کاربری آن در بین دو گروه منبع: نگارندگان

گروه‌ها / مولفه	موقعیت خانه		نوع کاربری	
	کنار معابر	وسط حیاط	مسکونی	تجاری - مسکونی
دارای وام مسکن	۴۹	۵۱	۷۳	۲۷
بدون وام مسکن	۴۲	۵۸	۶۴	۳۶

- ضوابط مسکن:

یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که طرح بهسازی مسکن در خصوص حفظ کارکردهای بومی - سنتی خانه‌های روستایی توفیق چندانی نداشته است؛ چراکه فقط تعداد ۳۴ واحد از این خانه‌ها دارای ضوابط و کارکردهای جانبی مسکن بوده است. در حالی که در گروه بدون استفاده کننده از وام بانکی، سهم خانه‌های دارای

کارکردهای جانبی بالغ بر ۷۱ واحد مسکونی بوده است. اگرچه ممکن است بخشی از این تحولات به ساختار اجتماعی (جوان بودن گروه‌های سنی) سازندگان گروه با وام بانکی بوده که بدلیل نداشتن زمین زراعی، ضرورتی بر احداث چنین فضاهایی نداشته‌اند.

جدول (۷): مقایسه توزیع انواع ضمامن مسکن (کارکردهای جانبی خانه) بین دو گروه منبع: نگارندگان

ضمائم خانه	دارای وام مسکن	بدون وام مسکن
انبار کشاورزی	۶	۱۱
انبار آذوقه	۴	۱۵
گاراژ و پارکینگ	۱۶	۱۸
فضای نگهداری دام	۳	۱۷
باغچه	۵	۱۰
جمع فضاهای جانبی	۳۴	۷۱
فاقد فضای جانبی	۶۶	۲۹

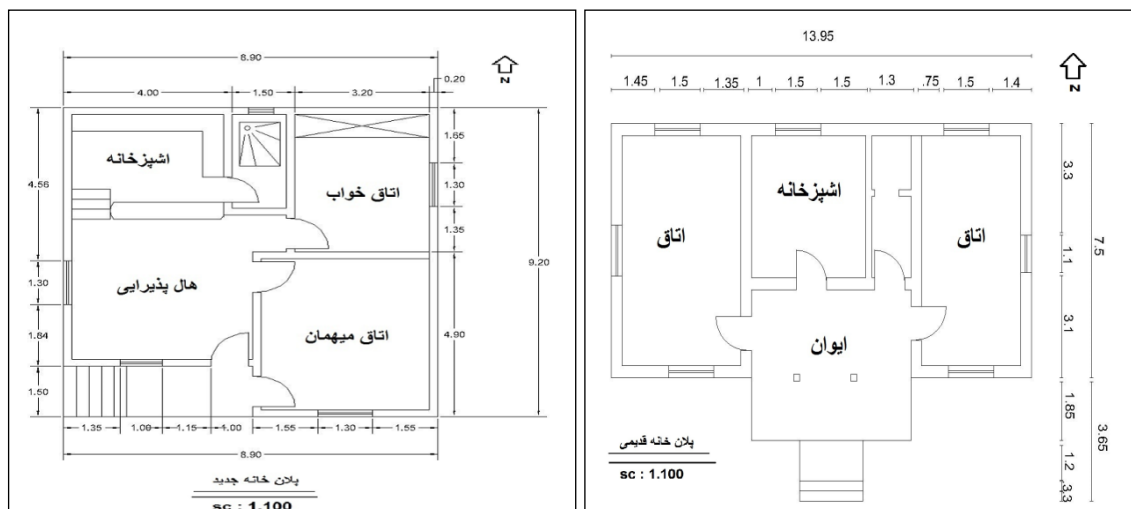
- فرم و جهت‌یابی خانه:

در گذشته جهت‌یابی خانه‌ها غالباً به سمت جنوب بوده است، ولی محور اضلاع شمالی- جنوبی آنها دقیقاً با محور طول جغرافیایی منطبق نبوده و با زاویه‌ای حدود ۱۰ تا ۱۵ درجه به سمت شرق تمایل دارد که بر اساس شواهد میدانی و مصاحبه با معماران منطقه، بهترین حالت برای دریافت نور خورشید، همین حالت (مقدار و جهت) است.

جدول (۸): مقایسه جهت‌یابی خانه‌های روستایی در بین دو گروه منبع: نگارندگان

گروه‌ها / جهت	شمال	جنوب	شرق	غرب
دارای وام مسکن	۱۹	۷۱	۸	۲
بدون وام مسکن	۱۳	۶۹	۱۴	۴

یافته‌های تحقیق حاکی از آن هستند که در الگوهای خانه‌سازی دارای وام مسکن و بدون وام مسکن، به ترتیب ۷۱ و ۶۹ واحد از خانه‌ها جهت‌یابی آنها جنوبی بوده، لیکن امروزه نحوه دسترسی به معابر بر تفکیک قطعات مسکونی و همچنین بر نحوه جهت‌یابی بناها تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته است. در گذشته فرم و پلان اکثر مسکن در حوزه روستاهای مورد مطالعه، به شکل طولی و مستطیلی بوده است. به گونه‌ای که اتاق‌ها به صورت ردیفی در کنار هم به یک ایوان در سمت جنوب متصل بودند. این خانه‌ها در همه جهات دارای بازشوایی بوده‌اند. اما امروزه فرم پلان‌ها عموماً به شکل مربع نزدیکتر است. در الگوی امروزی جدای از ایوان در پیشانی ساختمان، طراحی یک فضای عمومی به نام «هال» که پیوند دهنده میان اتاق‌هاست، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. به طوری که ۹۳ درصد آنها دارای هال بوده‌اند. همچنین آشپزخانه باز (اوپن) و احداث حمام در درون ساختمان مسکونی (خانه اصلی) از ویژگی‌های خاص خانه‌های امروزی است. به گونه‌ای که ۱۰۰ درصد خانه‌ها دارای آشپزخانه و بالای ۹۰ درصد آنها (۹۷ واحد از خانه‌های دارای وام و ۹۱ واحد از خانه‌های بدون وام مسکن) دارای حمام در داخل ساختمان مسکونی هستند. اما ساخت توالت بهداشتی در درون خانه در هر دو گروه عمومیت نیافته و کمتر از ۷ درصد آنها در داخل ساختمان قرار دارند. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که میانگین تعداد اتاق در خانه‌های بدون تسهیلات بیشتر از خانه‌های تسهیلاتی بوده است. به گونه‌ای که این شاخص برای خانه‌های بدون تسهیلات ۳/۴۸ اتاق و برای خانه‌های تسهیلاتی ۲/۷۳ واحد بوده و دامنه نوسانات آن در گروه دارای وام مسکن بین ۲ تا ۴ اتاق و در گروه بدون وام مسکن بین ۲ تا ۶ اتاق تفاوت می‌کند.



شکل (۲): نمونه‌ای از پلان واحدهای مسکونی جدید منبع: نگارندگان

شکل (۱): نمونه‌ای از پلان واحدهای مسکونی قدیمی منبع: نگارندگان

جدول (۹): مقایسه اجزای واحدهای مسکونی روستایی در بین دو گروه منبع: نگارندگان

گروه‌ها / مولفه	متوسط تعداد اتاق	دارای هال	دارای ایوان	دارای آشپزخانه	حمام داخل خانه	توالیت داخل خانه
دارای وام مسکن	۲/۷۳	۹۳	۷۸	۱۰۰	۹۷	۴
بدون وام مسکن	۳/۴۸	۹۴	۹۲	۱۰۰	۹۱	۷

- امنیت و حریم خانه:

یکی از ویژگی‌های روستاهای منطقه در گذشته، بافت باز آن بود که خانه‌ها با فاصله‌های زیاد نسبت به هم و بدون عناصر تفکیک‌کننده حیاط‌ها مشخص می‌شود و مرز بین حیاط با همسایگان قابل تشخیص نبود. در حالی که امروزه دیوارکشی و ساختن درب ورودی حیاط به سرعت در حال گسترش می‌باشد (نظری و پک، ۱۳۹۲). در این راستا، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که حیاط‌های بیش از نیمی از واحدهای مسکونی (دارای وام بانکی ۶۱ واحد و بدون وام بانکی ۴۸ واحد مسکونی) دارای دیوار بوده‌اند. همچنین این بررسی نشان داد که سهم مصالح جدید (آجر و بلوک) نسبت به مصالح قدیمی - سنتی (خشت گلی) در ساخت دیوارهای هر دو گروه، تفاوت محسوسی دارد.

جدول (۱۰): مقایسه وضعیت دیوارها در حیاط خانه‌ها دو گروه منبع: نگارندگان

نوع دیوار	دارای وام مسکن	بدون وام مسکن
آجری	۶۹	۵۷
بلوکی	۲۸	۲۶
مصالح سنتی	۳	۱۷
دارای دیوار	۶۱	۴۸
فاقد دیوار	۳۹	۵۲

- الگوی مصرف انرژی:

یکی از نکات مهم در طرح بهسازی مسکن روستایی، تلاش در جهت بهینه‌سازی مصرف انرژی در ساخت واحدهای مسکونی است. تا از یک سو، صرفه‌جویی در مصرف انرژی را بدنبال داشته و از سوی دیگر، از تحمیل هزینه اضافی به خانوارهای روستایی بکاهد. در این زمینه متغیرهایی مثل شکل، ابعاد و موقعیت بازشوهای ساختمان و نیز مصالح مورد استفاده در آنها مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که از دید مهندسی ناظر فنی طرح‌ها، در ۷۵ واحد مسکونی (۲۷ بنا قابل قبول و ۴۸ بنا متوسط) معیارها و موازین مربوط به الگوی مصرف انرژی از حد متوسط به بالا رعایت شده است و ۲۵ واحد مسکونی نیز ضعیف و غیرقابل قبول بوده‌اند.

جدول (۱۱): مقایسه وضعیت رعایت الگوهای مصرف انرژی در بین مسکن دو گروه منبع: نگارندگان

گروه‌ها / میزان	قابل قبول	تاحدودی	غیرقابل قبول
دارای وام مسکن	۲۷	۴۸	۲۵
بدون وام مسکن	۱۱	۳۶	۵۳

نتیجه‌گیری

مسکن روستایی، محل زندگی افراد خانوارهای یکجانشینی است که به صورت تک خانواری یا چند خانواری در زیر سقفی مشترک و بهره‌گیری از امکانات و فضاهای موجود است. مسکن روستایی، تجلی‌گاه شیوه زیستی - معیشتی روستاییان به‌شمار می‌رود و الگوها و عملکردهای آن در پیوند با عرصه مکانی - فضایی، به‌مثابه درچه‌ای به شناخت چشم‌انداز و روندهای حاکم بر زندگی و فعالیت روستا است. الگوی بومی - سنتی مسکن روستاهای دهستان آق‌آباد از شهرستان گنبدکاووس، اگرچه ممکن است از منظر خصوصیات اقلیمی، محیطی و اقتصادی تشابهاتی را با دیگر نقاط روستایی کشور داشته باشد، اما از منظر ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی پایداری تأمل برانگیزی را در خود دارد که می‌تواند بعنوان الگوی بومی - سنتی خاص مسکن روستاهای این منطقه به حساب آید. بررسی یافته‌های تحقیق حاضر بیانگر آن است که اکثر سرپرستان خانوار روستایی که از طرح بهسازی مسکن استقبال کرده‌اند، از قشر جوان بوده و غالب آنها از طبقه کارگران (ساختمانی و زراعی) می‌باشند. البته این امر خود نشانگر نقطه قوت طرح بهسازی مسکن روستایی در توجه به گروه‌های فقیر و حاشیه جوامع روستایی منطقه بوده است. همچنین اکثر سرپرستان خانوار بهره‌مند از وام مسکن روستایی، از سطح سواد و تحصیلات نسبتاً بالاتری نسبت به گروه بی‌بهره از این تسهیلات بانکی برخوردار بوده‌اند که علت این امر را می‌توان از تأثیرات مثبت میزان سواد و تحصیلات روستاییان منطقه و میزان استقبال آنها از طرح‌های بهسازی مسکن روستایی و بهره‌مندی از آثار این گونه طرح‌ها دانست.

مقایسه شاخص نحوه طراحی پلان و نقشه خانه‌ها در میان دو گروه، دریافت‌کنندگان وام و فاقد وام مسکن روستایی نشان داد که اکثر خانوارهای نمونه، مسکن خود را با نقشه‌های از قبل طراحی شده احداث کرده‌اند. این در حالی است که در گروه خانوارهای دارای وام مسکن، تمامی نقشه‌ها توسط مهندسی ساختمان و معماران طراحی شده‌اند. در مقابل؛ در گروه خانوارهای بدون وام مسکن، این میزان ۴۸ درصد می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که الزامی بودن تهیه نقشه‌های معماری بر دریافت وام مسکن تأثیر بسزایی در رعایت قوانین و مقررات ساختمان از سوی جوامع روستایی داشته است. پس این اقدام بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در فرهنگ‌سازی جامعه روستایی مؤثر افتاده و از پیامدهای مثبت طرح بهسازی مسکن روستایی تلقی می‌گردد. همچنین مقایسه این داده‌ها با میانگین مساحت حیاط و زیربنای خانه‌های دو گروه نشان می‌دهد که گروه استفاده‌کننده از وام مسکن، غالباً جزو خانوارهای فقیرتر و گروهی که از تسهیلات بانکی استفاده نکرده‌اند، خانوارهای با درآمدی بالاتر بوده‌اند. از طرفی، شاخص جانمایی خانه اصلی در حیاط مشخص نمود که اگرچه در گذشته الگوی غالب خانه‌های منطقه مطالعاتی در مرکز حیاط مستقر بوده است، لیکن امروزه گرایش به ساخت خانه در کنار معابر افزایش یافته است. بررسی شاخص ارتفاع بنا مشخص نمود که در گذشته احداث خانه‌های دو طبقه در میان روستاهای منطقه، چندان مرسوم نبوده ولی امروزه این رویه تغییر یافته و به پیدایش الگوی مسکن تجاری - مسکونی همانند شهرها منجر

شده است. همچنین، الگوی غالب شاخص جهت‌یابی خانه‌ها، اگرچه در گذشته رو به سمت جنوب بوده است؛ لیکن امروزه این موضوع در خانه‌های جدید رعایت نشده و بیانگر عدم توجه کافی به الگوهای بومی- سنتی مسکن روستایی منطقه است. الگوی فرم و پلان اکثر خانه‌های اصلی در گذشته مستطیلی و غالباً دارای ایوان در سمت جنوب بوده ولی امروزه به تاثیر از معماری مسکن شهری، عمده خانه‌ها مربعی شکل و یا چندوجهی هستند و انتقال عنصری مثل آشپزخانه، حمام و توالت به درون پلان خانه از مظاهر الگوی جدید می‌باشد. همچنین، بررسی معیارهای مربوط به ضوابط خانه‌ها، حاکی از آن است که مهم‌ترین پیامد منفی طرح بهسازی مسکن در کم توجهی به مقوله کارکردهای جانبی و ضوابط مسکن بوده است. بررسی شاخص امنیت و حریم خانه نشان داد که در گذشته الگوی غالب خانه‌های ناحیه مورد مطالعه، فاقد دیوار و یا هرگونه حفاظ ایمنی بوده، لیکن امروزه دیوارکشی پیرامون حیاط و نصب دروازه حیاط شدت در حال گسترش می‌باشد. و در نهایت، بررسی شاخص الگوی مصرف انرژی نیز نشان داد که در گذشته به شرایط اقلیمی در ساخت بناها از طریق طراحی اندازه پنجره‌ها و موقعیت آنها مورد توجه قرار می‌گرفته است؛ لیکن امروزه نظارت‌های فنی موجب شده است که اکثر آنها معیارهای ساخت در مصرف انرژی را با تغییر ابعاد بازشوها، مصالح و استفاده از پنجره‌های دو جداره بهبود بخشیده‌اند.

به طور کلی، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که طراحان و مجریان طرح بهسازی مسکن روستایی، معیارهای مربوط به الگوی بومی مسکن روستایی منطقه مورد مطالعه را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند.

منابع:

۱. ایمانی جاجرمی، حسین؛ محمدی، انور و صالحی، سعیده (۱۳۹۸)، ارزیابی اثرات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی طرح اعتبارات بهسازی و نوسازی مسکن روستایی (روستاهای دهستان دولت‌آباد، شهرستان روانسر)، نشریه برنامه‌ریزی و توسعه کالبدی، دوره ۴، شماره ۱، پیاپی ۱۳.
۲. آلیاگونوولو، آدریانو (۱۳۸۴)، معماری بومی، مترجم: علیمحمد سادات افسری، تهران: انتشارات فضا.
۳. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۸۵)، مجموعه قوانین و مقررات اختصاصی عمران روستایی، بخش معاونت عمران روستایی، تهران.
۴. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۸۷)، گزارش عملکرد سال ۱۳۸۷: دفتر کل مسکن روستایی، حوزه معاونت بازسازی و مسکن روستایی، تهران.
۵. حجت، عیسی (۱۳۸۵)، تاثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران، مجله هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۲۶، صص ۷۵-۸۴.
۶. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۸)، سند برنامه، برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، پیوست شماره نامه لایحه برنامه، جلد دوم، تهران.
۷. سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۴)، شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران، مجله هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۲۲، صص ۴۳-۵۲.
۸. سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۷)، تجارب خارجی تامین مسکن روستایی، مجله آبادی، شماره ۵۹، تابستان، صص ۶-۱۱.
۹. سرتیپی پور، محسن (۱۳۹۰)، پدیدارشناسی مسکن روستایی، مجله مسکن و محیط روستا، دوره ۳۰، شماره ۱۳۳، صص ۳-۱۴.
۱۰. سعیدی، عباس (۱۳۸۷)، توسعه روستایی، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها.
۱۱. صادقلو، طاهره و عزیزی، ثریا (۱۳۹۶)، ارزیابی ابعاد اثرگذاری طرح‌های نوسازی و بهسازی مسکن بر کیفیت محیط روستا (منطقه مورد مطالعه: دهستان حومه شهرستان شیروان)، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، دوره ۲۱، شماره ۶۱، پیاپی ۶۱، صص ۲۲۳-۲۴۰.
۱۲. ظاهری، محمد (۱۳۷۸)، بررسی ویژگی‌های کالبدی- فیزیکی مسکن روستایی - به لحاظ مطلوبیت و نامطلوبیت - و روابط آنها با عوامل طبیعی، مجله جغرافیا و برنامه ریزی، شماره ۷، بهار و تابستان، صص ۱۵۹-۱۷۶.
۱۳. فاتح، محمد و داریوش، بابک (۱۳۹۰)، معماری روستایی ۱ و ۲، تهران: انتشارات علم و دانش: ثامن الحجج، چاپ سوم.
۱۴. قدیری معصوم، مجتبی؛ بهمنی، افشین؛ قادرمرزی، حامد و رضوانی، محمدرضا (۱۴۰۰)، ارزیابی آثار طرح ویژه بهسازی مسکن در تغییر ساختار کالبدی و عملکرد اقتصادی مسکن روستایی (مورد مطالعه: دهستان تیلانق جنوبی، شهرستان دهگلان)، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۳، شماره ۱.
۱۵. مخبر، عباس (۱۳۶۳)، ابعاد اجتماعی مسکن، ترجمه مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
۱۶. میرزاعلی، محمد و فریور، فرحناز (۱۳۹۶)، مسکن روستایی و عشایری ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران، چاپ اول.
۱۷. میکائیکی، جواد و داودیان، الهه (۱۳۹۶)، ارزیابی اثرات کالبدی طرح بهسازی مسکن روستایی (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان تایباد)، اولین همایش اندیشه‌ها و فناوری‌های نوین در علوم جغرافیایی، زنجان: دانشگاه زنجان.
۱۸. نادری‌گرزالدینی، مرجانه و نادریان، کاوه (۱۴۰۰)، بررسی تاثیر ویژگی‌های کالبدی در هویت‌بخشی به مسکن روستایی مازندران، مجله معماری شناسی، شماره ۲۰، صص ۶۹-۷۹.
۱۹. نظری، عبدالحمید و پک، محمود (۱۳۹۲)، ارزیابی الگوی بومی مسکن در طرح بهسازی مسکن روستایی، فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی- فضایی، دانشگاه پیام‌نور، شماره ۱، زمستان، صص ۲۷-۳۸.

20. Knapp, E. (1982), Housing Problems in Third World, University of Stuttgart.
21. Low, S. and Chambers. E. (1989), Housing Cultur, and Design, Edited by Low, s. and Chambers.E Philadelphina, University of Pennsylvania press.
22. Rapoport. A. (1977), Human, Aspects of urban form: Towards a Man, Environment Approach to urban form an Design, Peryamon.
23. Rapoport. A. (2005), Cultur, Architecture, and Design, Locke Science Publishing Comany. Inc.
24. Wehmeier, Kai F. (2005), Gottlob Frege, The Encyclopedia of Philosophy, 2nd edition, Donald Borchert, editor-in-chief, Macmillan Reference USA.
25. Werner, C. M., Altman, I. Oxleyd. D. (1986), Temporal as fects of homes: atransactional perspective In Home Environments, edited by Warner. C. M. and Altman I., Newyork and London, Plenum press.